روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

مهار تورم و رشد تولید

دوشنبه ۲۹ خرداد ۱۴۰۲ ■ سال سی‌ویکم ■ شماره ۸۸۰۴

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■ کدپستی ۱۹۶۶۶-۴۵۹۵۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ چاپ: همشهری
■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروز نوین
■ تلفن: ۹۱۳۰۴۱۴۲

■ پذیرش آگهی:
■ تلفن: ۸۴۳۲۱۰۰۰

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
در کارهای خود با افراد خداترس مشورت کن تا راه درست را بیابی.

■ اذان ظهر: ۱۲:۰۶ ■ غروب آفتاب: ۱۹:۲۳
■ اذان مغرب: ۱۹:۴۴ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۲
■ اذان صبح فردا: ۳:۰۲ ■ طلوع آفتاب فردا: ۴:۴۸

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ سردبیر: دانیال معمار

■ معاونان سردبیر: علی عمادی، شهرام فرهنگی، شاهین امین، حامد فوقانی
■ مدیر فنی: حامد یزدانی
■ مدیر هنری: مهدی سلامی
■ دبیر سیاسی: علی ترابی
■ دبیر شهری: سیمین برادران
■ دبیر اقتصادی: سروش خسروی

■ دبیر فرهنگی: امیر خداداد
■ دبیر حوادث: جواد عزیزی
■ دبیر بین‌الملل: حسین سعیدی
■ دبیر جامعه: عیسی محمدی
■ دبیر زیست بوم: محمد باریکانی
■ دبیر ایرانشهر: سیده‌زهرا عباسی
■ دبیر دانش و فناوری: محمد کرباسی
■ دبیر ورزشی: امیر محمد یعقوب پور
■ دبیر همشهری جمعه: پروانه بهرام نژاد
■ دبیر صفحه آخر: مسعود میر
■ دبیر عکس: فرشاد عباسی

صفحه آخر

بادل سنگینت آیا هیچ در گیرد شبی؟
آه آتشناک و سوز سینه شبگیر ما
حافظ

گرینویچ

هدیه زندگی به پدر

بیشترین هدیه‌هایی که پدرها از بچه‌هایشان می‌گیرند جوراب، لباس زیر و چیزهایی مثل این است. اما یک پسر در آمریکا، چیزی به پدرش هدیه داده که زندگی او را نجات داده. خوزه کالیتو ۵۶ساله، در آستانه مرگ بود اما به لطف کلیه اهدایی از پسرش، به زندگی عادی برگشت. جاناتان بعد از اهدای کلیه به پدرش، در یک مصاحبه گفته است که هرگز لحظه‌ای برای این کار تردید نداشته است. پدر او در ۱۰ سال گذشته درگیر بیماری‌های کلیوی بوده و مدت‌ها بود دیالیز می‌کرد. اما دیگر دیالیز هم جواب نداد و خوزه مجبور شد با شرایطی وخیم و به امید پیوند کلیه، در بیمارستان بستری شود. اینجا بود که پسرش پا پیش گذاشت و بعد از چند سری آزمایش، زیر تیغ جراحان رفت تا کلیه‌اش را بیرون بیاورند و به پدرش پیوند بزنند. حال پدر بعد از پیوند، خوب است و پزشک‌ها از شرایط راضی هستند.

خودپرداز شمش طلا

محبوبیت شدید طلا در کره‌جنوبی باعث شده تا مؤسسات مالی روش‌های هوشمندانه‌ای برای عرضه آن ابداع کنند و حالا خودپرداز شمش طلا به‌شدت در این کشور فراگیر شده است. شرایط اقتصادی و ارزش تضمین‌شده طلا، باعث استقبال مردم از خرید این فلز گرانبها شده و این دستگاه‌ها هم با استقبال مردم مواجه شده است. این خودپرداز، شمش‌هایی به وزن ۳,۷گرم تا ۳۷گرم را عرضه می‌کند و مردم می‌توانند شمش مورد دلخواه خود را، با توجه به پولی که دارند، انتخاب و دریافت کنند. قیمت شمش‌ها البته با توجه به نرخ جهانی آن روزبه‌روز و گاهی حتی ساعت به ساعت تغییر می‌کند. براساس گزارش‌ها، محبوب‌ترین شمش، کوچک‌ترین آنهاست که قیمت آن در حال حاضر حدود ۲۲۵دلار است. بیشترین مشتری‌ها هم مردان و زنان بین ۲۰تا ۴۰سال هستند.

مردی که جوان می‌ماند

عوارض برخی جراحی‌ها، گاهی چنان عجیب هستند که انسان نمی‌تواند آنها را باور کند، درست مثل مورد یک مرد جوان در برزیل که بعد از جراحی، دیگر رشد نمی‌کند و در ۱۳سالگی منجمد شده است. لوئیز مارسیو که ۲۳سال دارد، یک زندگی کاملا معمولی و عادی داشت تا اینکه در ۷ سالگی، دچار سردردهای مزمن و طولانی‌ای شد که پزشکان نمی‌توانستند علت آن را تشخیص بدهند. چند سال بعد حال پسر وخیم شد و مشخص شد که او یک نوع تومور مغزی بسیار نادر دارد و باید جراحی کند تا تومور برداشته شود. این جراحی بسیار پرریسک بود اما با توجه به وخامت حال این پسر، خانواده‌اش به انجام آن رضایت دادند. عمل سنگین و موفقیت‌آمیز بود اما بعد از جراحی پزشکان متوجه شدند که بخشی از مغز او آسیب دیده و به همین خاطر، رشد این پسر متوقف شده است. در ابتدا گفته می‌شد این وضعیت موقتی است و شاید یکی دو سال طول بکشد اما این پسر، از ۱۳سالگی به بعد دیگر رشد نکرده و بدنش در همان وضعیت متوقف شده است. او حالا یک مرد ۲۳ساله، با ظاهر یک پسر ۱۳ساله است و البته بعد از سال‌ها افسردگی و زندگی روانی فروپاشیده، موفق شده روابط عادی با دیگران را از سر بگیرد.

می‌بوسم آستانه قصرِ جلالِ تو

برای شاه نجف که زیارتش حتی از دورَ هم صفا دارد

اَصبَحتُ زائراً لَک یا شحنه‌النجف
بهر نثار مرقد تو نقد جان به کف

نورالدین عبدالرحمن جامی

حمیدرضا محمدی

شاه است و پادشاهی می‌کند؛ از بدایت خلقت. از همان روز اولی که آدم خلق شد. از همان زمان که از شکاف خانه خدا به‌درآمد اما در مسجد کوفه پایان پیدا نکرد، ادامه یافت تا به امروز تا اکنون و تا فردا و فرداها. از بس که عظمت او موسع و مفصل است. زیرا که قدیم است، نه حدوث؛ از ابتدای تاریخ بوده است و تا انتهای آن هم برپا و برجا خواهد بود و خواهد ماند.

اصلاً تا وقتی خدا، خدایی می‌کند او پادشاه جهان است. تنها سلطانی است که در همه این ۱۴۰۴سال که از رفتن جسمانی‌اش و نه روحانی و معنوی‌اش می‌گذرد، خدشه‌ای، لطمه‌ای و ضربه‌ای به آن جایگاه و پایگاه رفیع و منیع‌اش وارد نشده و هنوز و همچنان بر دل‌های همه جهان سلطانی می‌کند؛ چه، «علی علیه‌السّلام» شاه نجف که نه، شاه جهان است؛ بزرگمرد تمام تاریخ و نقطه اتکای همه خلق که شیعه و سنی و یهود و نصارا هم ندارد. حتی کافر هم نمی‌شناسند.

او که درِ خیبر را برافکند و تیغ ذوالفقارش، لرزه بر اندام هر نامردی می‌انداخت. همو که هر شب، بر سرِ کودکان یتیم، دست محبت پدرانه می‌کشید و در رکوع نماز، نگین انگشتری خود را به مسکین هبه کرد. آن ابرمردی که به قول علی شریعتی –که امروز، چهل‌وششمین سال‌یاد اوست– «رب‌النوع انواع گوناگون عظمت‌ها، قداست‌ها، زیبایی‌ها و احساس‌های مطلق است. از آن گونه مطلق‌هایی که بشر همواره دغدغه دیدن و پرستیدنش را داشته و هرگز نبوده، و معتقد شده که ممکن نیست در کالبد یک انسان تحقق پیدا کند و ناچار، می‌ساخته است.»

و حال، چه خوب و خوش و خجسته است که روزهای یکشنبه هر هفته که روز زیارتی مخصوص آن به قول شهریار، «شهسوار» است، خادمان آستان مقدّس علوی، به نیابت از همه جامانده‌گان، به تربتش سر تعظیم فرود می‌آورند و زیارت می‌کنند تا استغاثه‌ای کنند به درگاه شاه نجف، حضرت امیرالمؤمنین(علیه‌السّلام). یکشنبه‌های با مولا را از دست ندهید که حتی از همین دور هم می‌شود دل را به ایوان نجف برد که صفایش را هیچ‌جای این کره خاکی که هیچ، هیچ جای این کائنات ندارد.

اول آخر

این باب ورود است به بهشت ایران، همانجا که نام پر از جود و جبروت جواد بر آستان نقش بسته است و امروز این نام بهانه‌ای است برای آن اشک، آن ارادت...

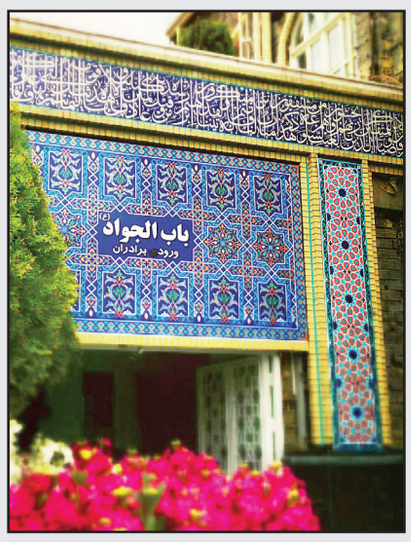

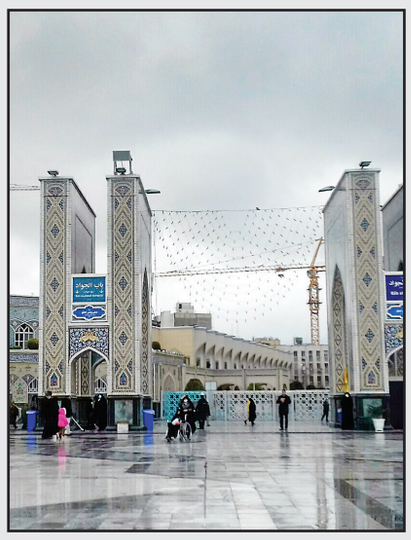

یادداشت وارده

ارمغان «دیپلماسی عمومی» برای زنان

کمال لطفی

دکتر جمیله‌سادات علم‌الهدی که سالهاست در قامت استاد دانشگاه شهید بهشتی به تدریس مشغول بوده و با تالیف کتب و مقالات متعدد به عنوان یکی از نخبگان علمی کشور در حوزه تعلیم و تربیت مطرح است، در جریان سفر آیت‌الله رئیسی به آمریکای لاتین، در رخدادی منحصربفرد پس از انقلاب اسلامی به عنوان همسر رئیس‌جمهور با شبکه تلویزیونی teleSUR گفتگو کرد و با بیان مواضع دقیق و هوشمندانه، پاسخ به برخی شبهات و همچنین دفاع از جایگاه زنان در مصاحبه مذکور مورد توجه و تقدیر افکار عمومی کشور قرار گرفت. اما در این میان، برخی جریانات و افراد تلاش کردند با هجمه و حتی هتک حرمت دکتر علم‌الهدی، این اقدام هوشمندانه که نقش موثری در شکستن فضای دروغ پردازی‌های چندین ساله جریان ضد ایرانی در ترسیم و معرفی زن ایرانی به غرب داشت را به حاشیه بکشانند.

اما چرا این اقدام همسر رئیس‌جمهور مهم بوده و دلیل هجمه برخی جریانات داخلی از جمله اصلاح‌طلبان که همواره مدعی حقوق زنان و تلاش برای ارتقای جایگاه آنان هستند، چیست؟

برای پاسخ به این سوال ابتدا باید به بررسی نقش زن در جامعه ایرانی و میزان اهمیت حکومت‌ها به این مساله به ویژه در ۱۵۰ سال اخیر در فضای داخلی پرداخت. با بررسی حوادث نهضت تنباکو و نقش زنان در پیروزی این نهضت گرفته تا اجبار به کشف حجاب در دوره رضاخان و سرمایه‌گذاری کلان برای تغییر هویت زن ایرانی در عصر پهلوی دوم تا همراهی زنان با مبارزان انقلابی علیه رژیم ستمشاهی، به این مساله می‌توان واقف شد که زنان همواره یکی از عناصر محوری و کلیدی در وقوع رخدادهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... بوده‌اند.

با پیروزی انقلاب اسلامی، یک نبرد دو سویه بین جریان حاکم بر ایران و عناصر غربی و ضدانقلابی آغاز شد. نگاه حاکم در داخل ایران تلاش برای هویت‌بخشی به زن در چارچوب فرهنگ اصیل ایرانی و موازین اسلامی و تلاش جریان مقابل، کشاندن زنان ایرانی به هضم در بی‌هویتی لجام‌گسیخته و مادی‌گرایانه حاکم بر جامعه غربی بود. در این میان و به ویژه پس از پیروزی جریان اصلاحات در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶، عنصر حمایت از زنان و ادعای حمایت از حقوق آنان، یکی از کلیدواژه‌های تکراری تمامی افراد و جریانات شاخص سیاسی کشور بوده است. نقطه اوج این مجادلات را می‌توان اغتشاشات نیمه دوم سال ۱۴۰۱ قلمداد کرد که برای نخستین بار جریانی با شعار «زن، زندگی، آزادی» و با ادعای مقابله با نقض حقوق زنان در فضای حاکمیت جمهوری اسلامی، به میدان آمد. هرچند عناصر میدانی این شورش تلاش داشتند خود را به عنوان یک جنبش عمومی و اجتماعی قالب کنند اما به دلیل انجام اعمال و حرکات مغایر با فرهنگ ایرانی و تلاش برای به نابودی کشاندن هویت زن ایرانی نتوانستند اقبال عمومی برای خود دست و پا کنند، اما سیاهه گستره حامیان سرشناس این جنبش آنقدر عجیب و مشوش است که کمتر نمونه مشابهی برای آن می‌توان ذکر کرد. از عناصر داخلی مانند جریان اصلاحات و دشمنان نشان‌دار مردم ایران در برخی کشورهای منطقه گرفته تا رژیم صهیونیستی، گروهک‌های آدمکش مانند نفاق و کومله، بهاییت، تفاله‌های رژیم طاغوت و حتی بازیگران فیلم‌های غیر اخلاقی غربی، همه و همه به میدان آمدند! فارغ از بررسی عوامل ناکامی این شورش، آنچه در این میان مغفول مانده این مساله بود که مانند گذشته مشخص نشد بالاخره الگوی قابل معرفی توسط این جنبش به جامعه زنان ایرانی چه شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی منطبق با «هویت زن ایرانی» دارد. آنچه به‌صورت مختصر از شعارها، کنفرانس‌ها و حتی زنان حاضر در راس این شورش می‌توان متوجه شد این‌است که منهدم کردن هویت منحصر بفرد زن ایرانی و هضم این هویت در هویت زن غربی، نقطه آمال و آرزوهای آنان بوده است.

تصویری که از آینده موعود این شورش به افکار عمومی منتقل شد، آلوده به فحشا و برهنگی و حقارت و تهی از ارزش‌های انسانی بود. یعنی سرنوشت ۵۰ سال اخیر زنان در جامعه غربی که در آن زن عملا تبدیل به یک کالا شده و علی‌رغم تزئین توسط رسانه‌ها، نهایتا به‌عنوان ملعبه‌ای برای جریانات سرمایه‌داری غرب مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند، به عنوان آینده‌ی پیش‌روی یک زن ایرانی به او وعده داده می‌شد!

از سوی دیگر اگر محوریت برخی از زنان میدان‌دار این شورش همانند وابستگان شاه مخلوع، شیرین عبادی، مسیح علی‌نژاد، نازنین بنیادی و... را به خاطر سوابق آنان و تلاش برای معرفی به عنوان الگوی زن ایرانی قلمداد کنیم، بررسی سوابق گذشته و وضعیت حال این افراد نیز مجالی جز سرشکستگی برای این جریان ندارد! زنانی که نه تنها هیچ سنخیتی با هویت زن ایرانی ندارند بلکه با انجام اعمالی چون حمایت از حمله نظامی به کشور و تحریم مردم ایران، تلاش برای منهدم کردن فرهنگ و هویت چند هزار ساله‌ی زن ایرانی با در پیش گرفتن منش غیر اخلاقی و هم‌آغوشی با دشمنان ایران و... عملا فرسنگ‌ها از هویت زن ایرانی فاصله دارند. اما اگر ملاک الگو و معیار بودن برای یک زن ایرانی را جایگاه علمی، فعالیت‌های اجتماعی، رسانه‌ای و بین‌المللی و تلاش برای حفظ هویت اصیل ایرانی بدانیم، چه فردی قابلیت و شانیت معرفی به عنوان مصداق یک زن موفق ایرانی مسلمان را دارد؟ بررسی واکنش‌ها به گفتگوی دکتر علم‌الهدی با شبکه تلویزیونی teleSUR آمریکای لاتین، نشان می‌دهد که افراد متعلق به جریان اصلاحات که بیشترین بهره‌برداری و سوءاستفاده از ادعای حمایت از حقوق زنان را در دو دهه اخیر داشتند، در ائتلافی نامبارک با عناصر شورش مدعی شعار «زن، زندگی، آزادی» با دستپاچگی میدان‌دار تخریب دکتر علم‌الهدی و به حاشیه کشیدن این رخداد بی‌سابقه بودند.

در تشریح علت این ائتلاف باید به این مساله اشاره کرد که در میان زنان روسای جمهور ۳ دهه اخیر و براساس اطلاعات منتشره، دکتر علم‌الهدی را می‌توان پیشروترین آنان در عرصه علمی و فعالیت اجتماعی قلمداد کرد که با تجمیع ویژگی‌های منحصر بفرد در همین مدت کوتاه توانسته به نمادی تبدیل شود که توانایی برملا کردن دروغ بزرگی که در ۴۴ سال گذشته به نظام اسلامی نسبت داده شده، را دارد. او فرزند خانواده‌ی ریشه‌داری از روحانیت اصیل شیعه و از نَسَب مجتهد شهیر سید مهدی شهید رابع است که همواره به‌عنوان مجتهدین اعصار گذشته مطرح بوده‌اند. این شاخصه از این جهت مورد توجه و اهمیت است که قشر روحانیت همواره مورد هجمه‌ی ناجوانمردانه مخالفت با حضور زنان در اجتماع و منزوی کردن آنان بوده و اکنون یک زن متعلق به یکی از خاندان شهیر روحانیت، علاوه بر طی کردن مدارج عالی علمی و تالیف کتب و مقالات متعدد و تبدیل به یکی از نخبگان کشور، با انجام فعالیت‌های گسترده اجتماعی به تنهایی ناقض تمام این اتهامات بوده است.

از سوی دیگر او همسر آیت‌الله رئیسی است که علاوه بر جایگاه حوزوی، امروز به عنوان رئیس جمهور اسلامی ایران مشغول فعالیت است که همواره از سوی مخالفان داخلی در جایگاه متهم به بی‌اعتنایی به حقوق زنان قرار گرفته بود اما اکنون همسر او علاوه بر جایگاه و وزانت علمی بالا در داخل کشور، با انجام کنش‌های هوشمندانه در عرصه بین‌المللی و دفاع از هویت زن ایرانی و دفاع عالمانه از تمدن ایرانی-اسلامی، مصداق بارز دیدگاه بنیادین و واقعی نظام اسلامی مبنی بر میدان دادن به زنان برای حضور در سطوح عالی کنشگری می‌باشد. اکنون می‌توان دلیل این هجمه‌های اخیر و تلاش برای جلوگیری از شکستن فضای دروغینی که سردمداران شورش «زن، زندگی، آزادی» و «کاسبان داخلی حقوق زنان» علیه نظام اسلامی در حوزه زنان از طریق هزاران رسانه و تریبون به جهانیان معرفی کردند، را درک کرد. امروز آنان می‌بینند که تصویر دروغینی که در آن زن ایرانی را یک «عنصر سرکوب شده» و «فاقد هرگونه حقوق اجتماعی» معرفی و با تردستی رسانه‌ای آینده‌ای جز «تباهی و سیاهی» برای زن ایرانی ترسیم نکرده، با «دیپلماسی عمومی» همسر عالی‌ترین مقام اجرایی کشور و چهره‌ای شناخته شده در میان متفکران «فلسفه تعلیم و تربیت» به چالش کشیده شده و طبیعی است که تمام توان خود را برای به‌حاشیه کشاندن این رخداد مهم به‌کار گیرند. اکنون می‌توان حضور دکتر علم‌الهدی در سفر رییس‌جمهور به آمریکای لاتین را از دستاوردهای مهم و تاریخی این سفر معرفی کرد که یک زن ایرانی که فارغ از تعلق داشتن به خانواده‌ای ریشه‌دار در حوزه علمیه و همسر یک عالم سیاستمدار بودن، توانسته با تکیه بر توانمندی‌های فردی و با طی کردن پله‌های علم و دانش در سطح نخبگان علمی کشور قرار بگیرد و با اتکا به تفکر خودباوری و ارائه تصویری درست از نقش آفرینی زن ایرانی و انتقال پیام ایران به جامعه زنان و اهل فرهنگ در دنیا، نشان دهد که انقلاب اسلامی بیش از هر مکتبی برای زنان ارزش قائل است و تبدیل به نمادی برای رسوایی جریانی شود که مانع از معرفی تصویر واقعی «زن ایرانی مسلمان انقلابی» به جهانیان می‌شوند.

جهان نما

تابستان جهنمی

بر حسب تقویم، تابستان هنوز نرسیده اما نیم‌کره‌شمالی، همین حالا از گرمایی جهنمی در رنج است و خبرهای تکان‌دهنده‌ای از گرمازدگی و خطرات محیط‌زیستی در گوشه و کنار دنیا منتشر می‌شود.

دمای هوا در بخش‌هایی از اروپا، آسیا و آمریکای شمالی به‌شدت بالا رفته و در آستانه شروع تابستان، در اقیانوس‌ها رکوردی جدید در زمینه دمای سطح ثبت شده است. به همه اینها باید بازگشت ال‌نینو را اضافه کرد؛ یک الگوی اقلیمی که به‌صورت طبیعی روی می‌دهد و معمولا دما را در سراسر جهان بالا می‌برد. همه اینها یعنی در آستانه ورود به داغ‌ترین ماه سال (تیر در تقویم ما و جولای در تقویم غربی)، نگرانی‌های زیادی را در سراسر نیمکره‌شمالی ایجاد کرده است.

در آمریکا و مکزیک، یک موج گرمای زودرس همراه با رطوبت شدید، شرایط را وخیم و در مواردی بحرانی کرده است. از شروع این موج گرما، بیش از ۱۰ نفر در مکزیک جانشان را از دست داده‌اند. در این منطقه، تابستان رسما از روز ۲۱ژوئن (۲ روز دیگر) و همزمان با انقلاب تابستانی شروع می‌شود. در مکزیک، مقامات گفته‌اند که انتظار دارند موج گرما، دست‌کم تا ۱۰روز دیگر در این کشور باقی بماند.

گرما حتی در مناطقی هم که به‌صورت تاریخی در ماه ژوئن (مصادف با خرداد و تیر) خنک هستند شرایط بحرانی ایجاد کرده است. در انگلیس و ولز، دمای هوا بیشتر از میانگین دما در ماه ژوئن بوده و به بالای ۳۰درجه سانتی‌گراد رسیده است.

در جنوب آسیا، جایی که همیشه در فصل تابستان با معضل گرمازدگی دست و پنجه نرم می‌کند، امسال شرایط به‌شدت بدتر است؛ در روزهای اخیر، گرمای بالای ۴۰درجه سانتی‌گراد در چند روز متوالی، باعث قطع برق گسترده در بنگلادش شد. در نپال هم دمای هوا در شهرهای زیادی به‌شدت بالا رفته و حتی به ۴۴درجه سانتی‌گراد هم رسیده است. دانشمندان این کشور گفته‌اند که انتظار می‌رود این موج گرما، تا حدود ۳ هفته دیگر هم در این کشور باقی بماند. در هند هم اوضاع به‌شدت وخیم است و ده‌ها نفر جانشان را به‌خاطر گرمای بسیار شدید از دست داده‌اند. اوضاع در شمال این کشور، به‌مراتب بدتر است و تا حالا نزدیک به ۱۰۰نفر جانشان را از دست داده‌اند. دما در بیشتر شهرها بالای ۴۰ درجه است و برخی از شهرها حتی دمای ۴۵درجه را تجربه کرده‌اند. ایالت‌های درگیر، مدارس و مؤسسات آموزشی را تعطیل کرده‌اند.

مسئله فقط شهرها و کشورها نیستند و افزایش گرما در اقیانوس‌ها، دانشمندان را به‌شدت نگران کرده است. افزایش دما در ۳ ماه گذشته، در دریاهای زیادی بالاتر از میانگین بوده و دانشمندان گفته‌اند این میزان افزایش دما، آن هم در یک دوره کوتاه، بی‌سابقه بوده و می‌تواند پیامدهای زیست‌محیطی وخیمی به همراه داشته باشد.

مسئله عاجل‌تر اما، چند هفته پیش‌رو است که می‌تواند زندگی میلیاردها انسان در نیم کره شمالی را جهنمی کند.

دیالوگ

مغزهای کوچک زنگ‌زده

هو من سیدی

۲تا چایی بیار دایی *واسه چی به همه میگی دایی؟
واسه اینکه اگه دعوا شد، فحش مادر نده!

بوک مارک

آدمی؛ یک تاریخچه نویدبخش

رو تخر برخمان

اگر از من بپرسید می‌گویم در دورانی زندگی می‌کنیم که بیشتر از لزوم به درون خود می‌نگریم و کمتر از لزوم به محیط بیرون. جهانِ بهتر با من آغاز نمی‌شود، با همه ما آغاز می‌شود...

قصه شهر

ویزیت بی‌مالیات نداریم...

فاطمه عباسی

از همان ۲ سال پیش که قانون پایانه‌های فروشگاهی تصویب شد، برخی از پزشکان دستگاه‌های کارتخوان را از مطب خود جمع کرده‌اند و از بیماران طلب پول نقد می‌کنند یا از آنها می‌خواهند که هزینه ویزیت را با تلفن همراه خود کارت به کارت کنند. بی‌تردید جانفشانی و درخشش جامعه پزشکی در دوران کرونا و خدمت‌رسانی به بیماران فصل جدیدی از ایثار و فداکاری این قشر را به مردم نشان داد و تلاش آنها در مبارزه با این ویروس منحوس بر کسی پوشیده نیست و آنها همواره در کنار مردم در تمام مراحل حساس کشور ایستاده‌اند، اما از قشر شریف پزشکان که طبیب به معنی واقعی‌اند، اگر بگذریم، برخی پزشکان دستگاه‌های کارتخوان خود را برای جلوگیری از مشخص شدن درآمدشان جمع کرده یا مدام اظهار می‌کنند دستگاه کارتخوان قطع است و به این ترتیب بیماران را برای پرداخت هزینه ویزیت سردرگم می‌کنند، فقط به این دلیل که از زیر بار پرداخت مالیات شانه خالی کنند. این موضوع یکی از بحث‌های پرچالش در سال‌های اخیر است که به اعتراض و شکایت مردم منجر شده، بااین حال عده‌ای از مسئولان که به‌نحوی با جامعه پزشکی مربوطند فرار مالیاتی پزشکان را محدود می‌دانند و معتقدند تنها بخش اندکی از پزشکان مالیات پرداخت نمی‌کنند. سازمان نظام پزشکی هم میزان فرار مالیاتی پزشکان را چشمگیر نمی‌داند. معاون فنی و نظارت سازمان نظام پزشکی گفته که تعداد زیادی از پزشکانی که در فهرست سازمان امور مالیاتی قرار گرفته‌اند و عنوان می‌شود که بدون کارتخوان هستند، از اعضای سازمان نظام پزشکی‌اند که در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی و جراحی محدود اشتغال دارند از جمله متخصصان بیهوشی و طب اورژانس که به‌دلیل ماهیت شغل‌شان نمی‌توانند از کارتخوان استفاده کنند یا کسانی که پروانه طبابت گرفته‌اند اما هنوز مطب تاسیس نکرده‌اند. بنابراین این افراد تخلفی انجام نداده‌اند اما مبنای سازمان امور مالیاتی بر این فرض است که همه پزشکان فعال در کشور دارای مطب هستند. درحالی که خیلی از این پزشکان، حقوق‌بگیر هستند و مالیات آنها دریافت می‌شود و تنها عده کمی هستند که از داشتن کارتخوان سر باز می‌زنند تا از دادن مالیات فرار کنند.

این مسئول همچنین اطمینان داده که با پزشکان متخلف مثل قبل و مطابق با قانون برخورد می‌شود و اجازه نمی‌دهند عده‌ای نظام مالیاتی را دور بزنند یا بخشی از درآمدشان را از دید نظام مالیاتی پنهان نگه دارند. ضمانت اجرای این قانون هم تعیین جزای نقدی در مرحله اول است و در مراحل بعد با توجه به میزان تخلف، مجازات سنگین‌تر خواهد بود.